

گفت و گوی ادیان^۱

اریک شارپ
مترجم: غلامرضا اکرمی

باستانی متواتراً صورت گرفته است. مثال این سبک ادبی در قرون وسطا^۲ (Edda) (I, S, SPros) مربوط به اوایل قرن سیزدهم است که در آن "جانجلیری"^۳ از مخبر، درباره مضامین اسطوره "نورسی"^۴ سؤال میکند. نمونه‌های بعدی بسیار است و شامل آثار مختلفی هم چون گفتوگوهایی درباره دین طبیعی^۵ (۱۷۷۹) از دیوید هیوم^۶، ساعتی با جماعت صوفیان^۷ (۱۸۵۹) از ر.ا. واکان^۸ و گفتوگوهایی ادیان (۱۹۶۰) از نینیان اسمارت^۹، میشود. نمونه‌های به واقع نزدیکتر آن مواردی است که سعی کرده گفتوگوها و اعلامیه‌های غیر رسمی ادبا و رهبران دینی را گزارش کند. از آن جمله میتوان به کتاب میز مذاکره (۱۵۶۶)^{۱۰} از مارتین لوتر^{۱۱}، زندگی جانسون^{۱۲} از بوسل^{۱۳}، گفتوگوهایی آلفرد نورث وایتهد^{۱۴} (۱۹۵۴) و مرام‌نامه راما کریشنا^{۱۵} (۱۸۹۷) اشاره کرد.

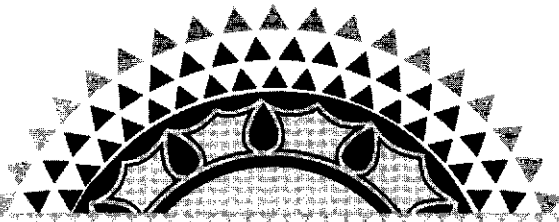
از گفتوگوی خیالی (تصنعی) برای مناظره بین دینی نیز استفاده شده است به عنوان مثال از این طریق، به اثبات گمراهی رقیب فرضی پرداخته شده است. نخستین نمونه مسیونری از این نوع، کتاب گفتوگو درباره فلسفه هندو^{۱۶} (۱۸۶۱) اثر ک.مپانرجی^{۱۷} است که در طی آن سنتهای مختلف هندی را به سود مسیحیت در مقابل

و با تکیه بر ذهن، آموزش داده و در عمل به اثبات رسانده است. این شیوه از گفتوگو، به‌ویژه در ادیان هندی، از جمله آیین هندو و دین بودا نمود یافته است. ارتباط ایمانی و اعتقاد موجود بین استاد و شاگرد باعث میشد که شاگرد دستورالعمل را که معمولاً در پاسخ سؤال محترمانه وجود داشت دریافت کند. قسمتهای بسیاری از اوپانیشادهای و پهگودگیتا^{۱۸} و بخشهایی از کتب مقدس بودایی (به زبان پالی) در قالب گفتوگوست. سنت یهودی-مسیحی نیز شامل تعالیمی در قالب گفتوگوست، کتاب مقدس تورات (قانون)^{۱۹} به صورت شفاهی و از طریق ریبها و در حلقه پیروان ارایه میشد در حالی که تعالیم عیسی-ع. معمولاً در بستری محاورهای و در نشستهای آموزشی در جمع پیروانش ارایه میشد. در این موارد به‌سختی میتوان از گفتوگوی دو طرف متساوی سخن به میان آورد؛ زیرا مریدان یا شاگردان در پی کسب معرفت از استادی خاص بودند. در گفت‌وگوی سقراطی قطعاً شاگرد نقش فعالتری را ایفا میکرد، اما در گفتوگوی عالم دینی و طلاب، عالم نقش محوری را بر عهده داشت و حضور استاد ضامن حصول معارف بود.

گفتوگوهای مصنوعی یا تخیلی^{۲۰} درباره ادیان و موضوعات متافیزیکی در پی نمونه‌های کلاسیک

کلمه "گفتوگو"^{۲۱} (یا دیالوگس^{۲۲} در ۳ یونانی) از لحاظ لغوی به معنای "مکالمه" یا "گفت و شنود"^{۲۳} است؛ اگرچه در تاریخ عقلانی غرب، معنای غالب آن عبارت است از "قطعه یا نوشتاری که در قالب گفتوگوست". در تاریخ ادیان، گفتوگو درباره مفهوم عقاید، شعایر و اخلاقیات است. این نوع گفتوگو بدون شک از آغاز یا حداقل از زمان اولین مواجهه ادیان مختلف با یکدیگر صورت گرفته است، هرچند به شکل رسمی نبوده و ثبت نشده است. اصطلاح گفتوگوی ادیان^{۲۴} فقط از نیمه دوم قرن بیستم به بعد در بین سنتهای دینی مختلف رواج و عمومیت یافته است.

آثار مربوط به گفت و گو درباره دین یا دربارهی موضوعات فلسفی تاریخ درازی دارد، مشهورترین نمونه های غربی در این زمینه بدون شک گفتوگوی افلاطون و مخصوصاً روش تدریس سقراط بوده که به شیوه سؤال و جواب ارایه شده است. در درون بسیاری از سنتهای دینی، گفتوگوی بین اساتید و طلاب گزارش شده است و این گفتوگوها شیوه‌های برای انتقال مطالب و ایجاد بینشی ژرف در شاگرد بوده است. اما در این موارد شخص مبتدی (شاگرد) در موضع تسلیم محض در قبال استاد قرار داشته است. صلاحیت (مرجعیت) استاد ناشی از مطالبی بوده که شفاهاً



پارلمان ادیان دستکم نمایندگانی از اغلب سنت‌های دینی عمده جذب کرد هرچند که در جذب بسیاری از مذاهب ارتدوکس، مخصوصاً انجیلیان مسیحی^{۳۲} ناموفق بود. این پارلمان همچنین آغاز مأموریت هندوی مدرن را در غرب به رهبری "سوامی ویوکانندا"^{۳۳} اعلام کرد و ویوکانندا به تبعیت از راماکریشنا^{۳۴} آموزش میداد که همه ادیان در راه بردن به حقیقت از ارزش یکسانی برخوردارند. این نظریه از سوی مکاتب نظاممندی همچون آنجمن تئوسوفی^{۳۵} (۱۸۷۷) و بهایی^{۳۶} قویاً حمایت میشد. در ادامه اجلاس شیکاگو نشست‌های دیگری نیز برگزار شد.

هرچند که این اجلاسها کامل و تمام عیار نبود، روح اجلاس شیکاگو به حیات خود ادامه داد؛ در "شورای بین‌المللی موحدان"^{۳۷} و در فعالیتهای متفکران دینی لیبرال و در آثار نویسندگانی که در فاصله سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۳ فعالیت میکردند و اهداف آنها آشنا کردن مؤمنان یا یکدیگر، تأکید بر اصول و عناصر جهانی همه ادیان و فعالیت برای "ارتقای اخلاق در جهان"^{۳۸} بود. جنگ جهانی اول این فعالیتها را موقتاً متوقف کرد اما بعد از جنگ، هنگامی که ایده انترناسیونالیسم^{۳۹} کوشید تا از درگیریهایی بیشتر ممانعت به عمل آورد، جنبشهای بین‌الدینی مختلفی ظهور کرد و منجر به تشکیل آنجمن جهانی ادیان^{۴۰} شد (۱۹۳۹). هشت سال قبل رودلف اتو^{۴۱} "مجمع بین

یکدیگر قرار میدهد. به هر رو این سبک تدافعی، عمر کوتاهی داشت.

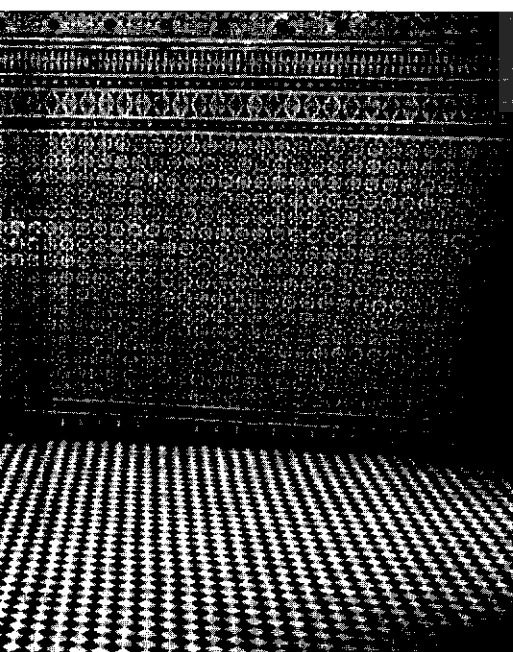
اشتراک سبک‌های قدیمتر گفتگوی ادبی (آموزشی) و مجادله‌های این بود که از طریق بحث‌های عقلانی و اهمیت دادن به برهان و دلیل در پی عقلانی جلوه دادن حقایق دینی بودند. بدون شک در این میان مواردی از گفتگوهای واقعی نیز اتفاق افتاده بود. در قرون هجدهم و نوزدهم مواجهات بین سنت‌های دینی به سرعت رو به افزایش بود و در طی این مواجهات گفتگوهای واقعی (نه فرضی و تخیلی) هم بین مؤمنان به ادیان صورت میگرفت. اما این که تا چه حد این گفتگوها به نحو عقلانی بود خود محل شک و بحث است.

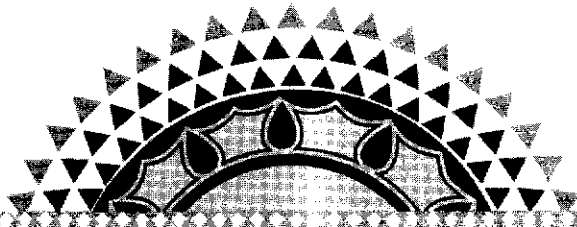
اما در همین دوران کشورهای غربی از لحاظ سیاسی و اقتصادی به تسلط و برتری رسیدند. هیئت‌های تبلیغی مسیحی در کار خطیر خود موفقیت‌های بزرگی به دست آوردند. گفتگوها شامل مسیحیان و در بین آنها بود و به ندرت در میان موارد یکسان صورت میگرفت. در دیگر سنت‌های دینی نگرانی‌هایی وجود داشت؛ برای مثال در برخوردهای هندوان و مسلمانان درجهای از سوءظن متقابل به طور کلی مانع از گفتگوهای موثر و سازنده بود.

در هر صورت غربیها در آشنایی با دیگر سنت‌های دینی پشتکار بیشتری داشتند و علاوه بر این با پیدایش کلام آزاداندیشانه، بسیاری از اصطلاحات و موضوعاتی را که در دین غربی تشریح شده بود تعدیل و اصلاح گردید قبل از جنگ جهانی اول مفاهیم غالب، "هم‌دلی"^{۴۲} و "صداقت و وفاداری"^{۴۳} بود و اگرچه گفتگوهای (مناظرات) بسیاری صورت می‌گرفت اما در مورد هیچ کدام از آنها کلمه "دیالوگ" به کار نمیرفت. در اواخر قرن نوزدهم گذشته از جنبه‌های دفاعی و جدلی، تلاش جدیدی برای گردآوردن رهبران مذهبی جهان با روحیه‌ای آشتی‌جویانه صورت گرفت و تأکید آن بر اتحاد آنان بود نه بر افتراق. اولین اجلاس از این دست، "پارلمان ادیان جهان"^{۴۴} بود که در سال ۱۸۹۳ در شیکاگو برگزار شد. حرکت اصلی این اجلاس از سوی سوئدی‌ها آغاز شده بود و هدف آن گردآوردن رهبران دینی در زیر پرچم واحد خداگرایی^{۴۵} بود.

آثار مربوط به گفت وگو درباره دین یا دین‌داری موضوعات فلسفی تاریخ درازی دارد، مشهورترین نمونه‌های غربی در این زمینه بدون شک گفتگوی افلاطون و مخصوصاً روشن‌نویس سقراط بوده که به شیوه سؤال و جواب ارایه شده است

در حوزه تحقیق اگرچه مطالعه دین بر مبنای چند فرهنگی باعث افزایش احترام متقابل و پیشرفت گفت وگو در بین ادیان شد، اما کمتر محققانی حاضر به اظهار نظر در این مقوله شدند. یک استثنا در این زمینه فردریش هیلر بود که در کنفرانس بین‌المللی توکیو به سال ۱۹۵۵ اعلام کرد اگر ادیان سعه صدر واقعی و همکاری متقابل را به خاطر انسانیت افزایش دهند فصل نوی برای بشر آغاز خواهد شد





الادیان^{۱۱} را با همان ایده تأسیس کرد و از تشبهای بینالمللی در جهت اتحاد مؤمنان با یکدیگر کاسته شد. این موضوعات اخلاقی از سوی جناح لیبرال مسیحیت پذیرفته شد و در کنفرانس شورای بینالمللی مبلغان در اورشلیم^{۱۲}، به سال ۱۹۲۸ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و به صورت کلاسیک از سوی و. ی. هوکینگ^{۱۳} در اعلامیه لیبرال بازاندیشی مبلغان^{۱۴} تدوین شد. به این ترتیب مسیحیان به طور عمومی دغدغه همکاری بینالادیانی را داشتند. هندوان با این مسائل به راحتی خو گرفته و از طریق راداکریشن^{۱۵} که سخن گوی توانمند و فصیح بینالمللی بود پیشرفت کردند. راداکریشن بر آن بود که مطالعه تطبیقی دین باعث این ادعای خاص میشود که: در برخی از سنتهای فردی احتمالاً و در پس همه اشکال تجربه دینی قطعاً یک قصه، یک جهد و یک ایمان مشابه وجود دارد.

در فاصله بین دو جنگ، کنگرههای جهانی و مجمع ادیان به طور مرتب به نشستهای خود ادامه دادند هرچند که سایه طویل اشکال مختلف دیکتاتوری بر سر آنها قرار داشت. در این میان جنبش گروه آکسفورد^{۱۶} که بعداً عنوان جدید Moral Re-Armament را به دست آورد قابل ذکر است. این جنبش اصولاً مسیحی بود اما توجه آن به اخلاق بیش از مقولات الاهیاتی بود. جنبش گروه آکسفورد در دهه ۱۹۳۰

به اوج پیشرفت خود رسید و تعداد بسیاری از غیرمسیحیان را نیز جذب کرد. در سطح دیگر جریان حکمت خالده^{۱۷} بود که به وسیله کوما راسوامی^{۱۸}، شوان^{۱۹} و گنون^{۲۰} مطرح میشد پیروان بسیاری از میان سنتهای مختلف اعم از شرقی و غربی به دست آورد این جریان کمتر محل ملاقات سنتهای دینی بود.

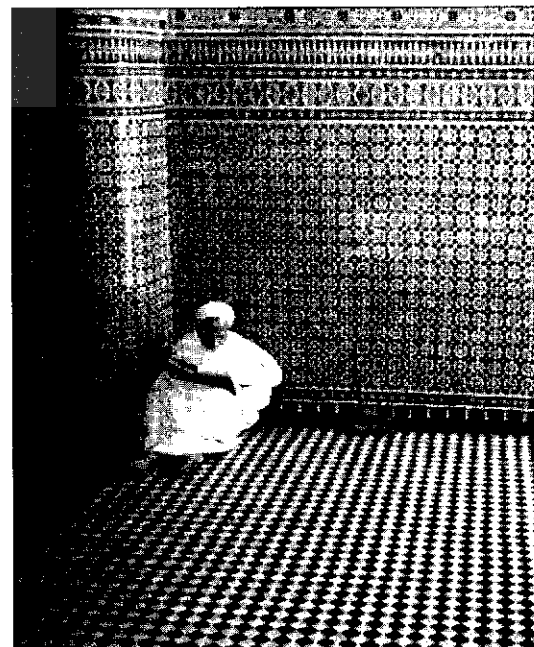
در حوزه تحقیق اگرچه مطالعه دین بر مبنای چند فرهنگی باعث افزایش احترام متقابل و پیشرفت گفتگو در بین ادیان شد، اما کمتر محققانی حاضر به اظهارنظر در این مقوله شدند. یک استثنا در این زمینه فردریش هیلر^{۲۱} بود که در کنفرانس بین المللی توکیو به سال ۱۹۵۵ اعلام کرد: اگر ادیان سعه صدر واقعی و همکاری متقابل را به خاطر انسانیت افزایش دهند، فصل نوری برای بشر آغاز خواهد شد. همکاری برای آماده کردن زمینه ظهور این دوره یکی از جالبترین امیدهای دین پژوهی است هرچند که دیگر محققان، این آرمان را چندان علمی نمیدانند.

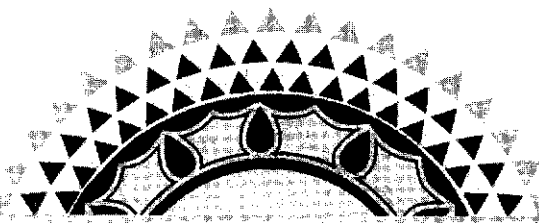
پارلمانها، کنگرهها و کنفرانسها به منظور جمع‌آوردن رهبران دینی در یک مجمع و با روحیههای آرمان‌گرایانه بر سیاق مجمع ملل ادامه یافت. با وجود این، تهدید دین از سوی رژیمهای دیکتاتوری اروپا و همچنین از سوی ماتریالیسم (ماده‌گرایی) در حال افزایش بود.

به همین خاطر از رهبران دینی جهان مکرراً درخواست شد که برای مواجهه و برخورد با این فشارها پیروانشان را متحد کنند و از آن‌جا که رهبران دینی جهان نتوانستند چنین امری را تضمین کنند، وضعیت دینی جهان تغییر کرد. در فاصله بین دو جنگ اوضاع محلی تحت سیطره مسائل منطقهای بود. در درون کلیساهای مسیحی حرکات چشم‌گیری در جهت افزایش اتحاد به چشم میخورد. از جمله در بین متدیست^{۲۲} های بریتانیا، پرسبیتترین^{۲۳} های اسکاتلند و کلیسای پروتستان در کانادا و جنوب هند. ولی این حرکتها کمتر در سطح بینالادیانی صورت گرفت. نظریه گفتگو در معنای جدید آن در دوره تشنج و اغتشاش بعد از جنگ جهانی اول وارد دنیای دین شد و تا حدود بسیاری مرتبط با فلسفه اگزیستانسیالیسم بود و اولین و مطرحترین نمود

در اواخر قرن نوزدهم گذشته از جنبه های دفاعی و جدلی، تلاش جدیدی برای کرد آوردن رهبران مذهبی جهان با روحیه ای اشتی جویانه صورت گرفت و تأکید آن بر اتحاد آنان بوده نه بر افتراق اولین اجلاس از این دست، پارلمان ادیان جهان بود که در سال ۱۸۹۳ در شیکاگو برگزار شد حرکت اصلی این اجلاس از سوی سوئدی ها آغاز شده بود و هدف آن کرد آوردن رهبران دینی در زیر پرچم واحد خداگرایی بود

نظریه گفتگو در معنای جدید آن در دوره تشنج و اغتشاش بعد از جنگ جهانی اول وارد دنیای دین شد و تا حدود بسیاری مرتبط با فلسفه اگزیستانسیالیسم بود





حساب می‌آورد یا حداقل مدعیات اظهار شده از سوی مسیحیان را بدیهی و روشن تلقی نمی‌کرد. در بیرون از دنیای غرب به قضیه گفت‌وگو با دیده تردید نگریسته میشد و تأکید بر گفت‌وگو را چیزی بیش از سیاستی زیرکانه و شکلی دیگر از فعالیت‌های میسیونری مسیحی نمی‌دانستند.

در عین حال شورای دوم واتیکان^{۵۸} (۱۹۶۲-۶۵) در کلیسای کاتولیک رومی دستور مهمی داشت و آن این بود که در اسناد مختلف آن درباره گفت‌وگو صحبت شده است؛ به عنوان مثال کلیسا به اتباع خود توصیه میکند "عاقلاً و دوستانه به همکاری و گفت‌وگو با دیگر ادیان" و شناخت، صیانت و گسترش معنویت و اعمال اخلاقی که در بین همه انسانها به عنوان ارزشهای اجتماعی و فرهنگی مطرح است، بپردازند. پیروان مسیح میتوانند با خلوص و سعه صدر در گفت‌وگو دریاوند که گنجهای خدای غنی در بین همه ملل روی زمین توزیع شده است. اعلامیه‌هایی از این نوع متأثر از کاتولیک‌های لیبرال بود و موجب دوستی و همکاری کلیسا با غیر کاتولیکها شد و جریانی از ادبیات گفت‌وگو ایجاد شد که بزودی پروتستانها نیز در تولید (و عرضه آن) سهیم شوند.

اما این ادبیات عرضه شده از سوی کلیسا ماهیت و غایت گفت‌وگو را به وضوح و روشنی نشان نمیداد و افزون بر این، تلاشهای صورت گرفته در جهت گفت‌وگوی علمی، با پیروان ادیان مختلف نبوده بلکه آن تلاشها بیشتر در سطح تئوری پردازی درباره گفت‌وگو بود.

به نظر می‌آید که بتوان انواع مختلف فعالیتها در این زمینه را بدین شکل، زیر چتر گفت‌وگو قرار داد:

۱- گفت‌وگوی پراکنده^{۵۹} (مجادله یا مناظره):

این نوع گفت‌وگو شامل ملاقات کردن، گوش دادن، و بحث و جدل در یک سطح دوجانبه و محترمانه و پرسمانی عاقلانه میشود. این نوع گفت‌وگو نه چندان جدید و نه چندان چشم‌گیر است و از عمومیت بسیاری هم برخوردار نیست. این مورد از گفت‌وگو به عنوان یک فعالیت فکری در بین دو طرفی که از امکانات و موقعیت یکسانی برخوردارند میتواند مفید واقع شود و دو

در بسیاری از ملل تازه به استقلال رسیده یک اقلیت بود. هندوستان علی‌رغم این که اکثر جمعیت آن هندو بودند رسماً سکولار شد، پاکستان یک حکومت اسلامی ایجاد کرد و این نماد شکست گفت‌وگوی هندوها و مسلمانان در شبه قاره بود.

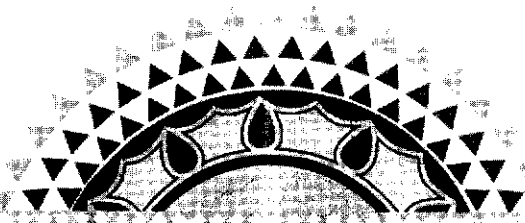
مسیحیان در دیگر نقاط جهان، اعم از آن‌ها که حکومت‌های دینی داشتند نظیر مسمانان بوداییان و یهودیان و آن‌ها که حکومت سکولار داشتند، حالت تدافعی به خود گرفتند. در کشورهای غربی الگوی مسیحیت دست‌خوش برنامه دو قطبی شدن^{۶۰} گردید که نظرات محافظه‌کارانه^{۶۱} در یک سو و نظرات آزاداندیشانه^{۶۲} در سوی دیگری قرار داشتند. لیبرالها (آزاداندیشان) از یک سو متحمل گناه ما بعد استعماری شدند و از سوی دیگر به ارزشهای غایی دین چندان اطمینانی نداشتند.

در این فضا کلمه "دیالوگ" صرفاً به عنوان یک اصطلاح معمولی ظاهر شد که درستی نظر یک گروه از مؤمنان را در برابر گروه دیگر توصیف میکرد. این نکته را نیز باید خاطر نشان کرد که در دوران عمومیت فوق‌العاده این اصطلاح که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ بود این کلمه تقریباً به نحو انحصاری از سوی جناح آزاداندیش مسیحی (اعم از کاتولیک و پروتستان) به کار میرفت، این اصطلاح به وسیله مسیحیان لیبرال کشورهای در حال توسعه جهان سوم نیز به کار گرفته میشد. محافظه‌کاران اصطلاح گفت‌وگو را ناپذیرفتنی دانستند؛ زیرا این اصطلاح به طور ضمنی سنت‌های دینی را برابر با یکدیگر به

آن کتاب من و تو^{۶۳} از مارتین بوبر^{۶۴} بود. در این کتاب توضیح داده شده که نوع بشر باید از دیدگاهی که دیگری را هم‌چون یک موضوع (من و او) تلقی میکند دست بکشد و به طور مستقیم و با قبول متقابل دیگری به عنوان عضوی انسانی و در قالب (من و تو) با فرد دیگر وارد گفت‌وگو شود. بوبر یک یهودی بود و بنابراین با ظلم‌های نژادی، دینی و اقتصادی آشنا بود.

این چنین ظلمها (فشارها) بی‌ممکن است بر افراد زیر سلطه اعمال شود و در هر زمان و هر مکانی با قضاوت منفی از سوی گروهی غالب صورت گیرد. تنها راه علاج این مسئله به رسمیت شناختن انسانیت و گفت‌وگوی شخصی اشخاص است و فرقی نمیکند که عقایدشان در چه سطحی باشد. اگرچه بوبر و دیگر آگزیستانسیالیستها بسیار مطرح بودند و اگرچه اقدامات بین‌الدینی در بین دو جنگ آغاز شده بود اما کاربرد اصطلاح "گفت‌وگو" در رابطه با سنت‌های دینی تا سالها بعد از جنگ جهانی دوم عمومیت نیافته بود. بعد از آن زمان، الگوهای سیاسی و دینی جهان بیش از پیش و به سرعت شروع به تغییر کردند. سیاست امپریالیستی غرب به سرعت برچیده شد. مستعمرات قبلی روز به روز به استقلال می‌رسیدند و سؤالاتی در مورد ارزش‌های دوران استعمار ایجاد می‌شد. ارزش‌های دینی نیز از این سؤالات (تشکیکات) مستثنا نبودند. اما در همین دوران مسیحیت عامل مهمی در حیات ملل جدید به حساب می‌آمد و در پی یافتن نقش جدیدی، مستقل از قدرتهای حاکم قبلی بود. مسیحیت





طرف میبایست به گوش دادن به همان اندازه علاقه‌مند باشند که به سخن گفتن.

۲- گفت‌وگوی انسانی (گفت‌وگوی بوبری):^{۶۰}

گفت‌وگوی انسانی یا بوبری بر پایه اصول وجودشناسی (اکزیستانسیالیسم) که قبلاً شرح داده شد قرار دارد، و بر آن است که برای انسانها امکان مواجهه با یکدیگر به عنوان یک انسان و صرف نظر از عقایدی که آنها را از هم متمایز میکند وجود دارد. بزرگ‌ترین اشکال این نظریه، "فردگرایی"^{۶۱} آن است اما به هر حال این شیوه در بین روشنفکران غرب نیمه‌سکولار نسبتاً مناسب است. این روش از توجه به این نکته غفلت کرده است که اشخاص به وسیله اجتماعی که به آن تعلق دارند شکل میگیرند و به حمایت آن اجتماع وابسته‌اند و از ارزشهای آن تبعیت میکنند. نادیده گرفتن اجتماع اغلب به سادگی ممکن نیست. هرچند این دیدگاه بر آرمانهای متعالی تأکید دارد اما میتوان ثابت کرد که چیزی بیش از یک دیدگاه نظری نیست.

۳- گفت‌وگوی سکولار:^{۶۲}

گفت‌وگوی سکولار تأکید میکند که وظایفی برای انجام دادن در جهان وجود دارد و مؤمنان به ادیان مختلف میتوانند بدون در نظر داشتن اعتقاد خاصشان، در این برنامه و عمل مشترک شرکت کنند. در فضای الاهیانی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ گفت‌وگوها غالباً در همین راستا در جریان بود. در این نوع گفت‌وگو به سادگی میتوان از مسئله ایمان (عقاید) به خاطر امور عملی صرف نظر کرد. "تقدس زدایی"^{۶۳} نظر انسان را نسبت به جهان، زمان و تاریخ جلب میکند و واقعیت‌های تاریخی (مادی) در قیاس با امور ماوراء طبیعی^{۶۴} و جهان معنوی^{۶۵} اهداف معقولتری برای گفت‌وگو هستند.

۴- گفت‌وگوی معنوی:^{۶۶}

گفت‌وگوی معنوی اصولاً از سوی کسانی حمایت میشود که در سنت‌های عرفانی (تأملی) و رهبانی تربیت شده‌اند و همچنین کسانی که کاربرد

ارزشهای متعالی شرق و یا دیگر معنویتها را آموخته‌اند. این افراد در عین حال نمیخواهند از اعتماد به نفسشان کاسته شود. در این نوع گفت‌وگو مجادله و مباحثه جایگاه ندارد، بلکه توجه اصلی به نیایش و مراقبه است که در سالهای اخیر در صومعه‌ها و مراکز "مدیتیشن"^{۶۷} در شرق و غرب در حال افزایش است. این شیوه از دیدگاه اصطلاحات نظری متکی بر الاهیات رهبانی، نظیر راه‌های متعدد ودانته^{۶۸} است و از لحاظ علمی شرق را در نیل به امور معنوی برتر از غرب دانسته و آمادگی به‌کارگیری متون مقدس و مناجات‌نامه‌های غیرمسیحی را در موازات کتب مقدس مسیحی دارد و اغلب تأکید آن بر اهمیت الاهیات سلبی^{۶۹} است و منکر برتری منطق و علم بوده، در عوض بر تجربه شهودی و تعمق و تأمل تکیه دارد و از این حیث محصول خاص دهه ۱۹۶۰ است.

اصلاح گفت‌وگو در اواسط دهه ۱۹۷۰ نسبت به دهه قبل از آن تا حدودی کمتر مورد استفاده قرار گرفت و این مسئله تا اندازه‌ای مربوط به تغییر شیوه‌ها و تا حدی به خاطر واکنش به فشارهای اجتماعی-اقتصادی بود. مدارک واقعی کمی وجود دارد که اهداف گفت‌وگو را حداقل آن‌گونه که مسیحیان تدوین کرده‌اند مشخص و مدون کند و در همه موارد هر نسل جدیدی وظیفه دیدار با دیگر مؤمنان را از نو به عهده گرفته است. اما حداقل هر "دوره گفت‌وگو"^{۷۰} کمک می‌کند که برخی از سوء رفتارها و اشتباه‌های گذشته فراموش شود، هرچند که هر دوره مسائل خاص خودش را دارد.

اگرچه بسیاری از مسیحیان اهمیت هم‌دلی و جدیت در گفت‌وگوی بین‌الادیانی را آموخته‌اند اما در جلب و جذب سنت‌های دیگر موفقیت چندانی جز در مرتبه‌ای سطحی نداشته‌اند.

به این ترتیب آنچه "گفت‌وگوی ادیان" خوانده می‌شد و به عنوان یک اقدام علمی آغاز شده بود، در حد نظریه و آرمان باقی ماند. مواجهه واقعی بین مؤمنان همیشه وجود خواهد داشت و این برخوردها بدون شک اتفاقی غیرقابل پیش‌بینی و گاهی اوقات توأم با خشونت است و همیشه با شرایط محلی مشخص می‌شود.

پی‌نوشت:

منبع: Mircea Eliade (editor)

The Encyclopedia of Religion,

۲) Dialogue. ۳) Dialogues. ۴) Conversation. ۵) Dialogues of religion. ۶) Upanisads.

۷) Bhagavad gita. ۸) Law Torah. ۹) Artificial or imaginative dialogues. ۱۰) Islander sonri Sturlus ons Pors Edda

۱۱) Gangleri. ۱۲) Norse. ۱۳) Dialogues conceliny Natural Religion. ۱۴) David, Hume. ۱۵) Hours With the mystics.

۱۶) R.A. Vaughan. ۱۷) Ninian Smart. ۱۸) Tischereden (Table Talk). ۱۹) Martin luther.

۲۰) Life of Janson ۲۱) Boswell. ۲۲) Dialogues of Alfred North Withehead. ۲۳) Gospel of sri Ramakrishna.

۲۴) Dialogues on Hinda philosophy. ۲۵) K.M Bonerjea. ۲۶) Sympathy. ۲۷) Fulfillment.

۲۸) The World's Parliament of Religion. ۲۹) Theism. ۳۰) Evangelical christianity. ۳۱) Swami vivelananda.

۳۲) Ramakrishna. ۳۳) Theosophical Society. ۳۴) Bahai. ۳۵) International Council of Unitarian.

۳۶) Moral uplift of the World. ۳۷) Internationalism. ۳۸) World fellowship of faith. ۳۹) Rudolf otto. ۴۰) Interreligijs league.

۴۱) The Jerusalem Conference of the Missionary Council. ۴۲) W.E. Hockiny. ۴۳) Re-Thinking Missions.

۴۴) Radha Krishnan. ۴۵) The oxford Group Movement. ۴۶) Philosophia perennis. ۴۷) Coomaraswamy. ۴۸) Schuon.

۴۹) Guenon. ۵۰) Friedrich Heiler. ۵۱) Methodist. ۵۲) Presbyterian. ۵۳) I and Thou. ۵۴) Martin Buber. ۵۵) Polarization.

۵۶) Conservative. ۵۷) Liberal. ۵۸) The Second Vatican Council. ۵۹) Discursive dialogue. ۶۰) Human (Buberian) dialogue.

۶۱) Individualism. ۶۲) Secular dialogue. ۶۳) Desacralization. ۶۴) Supramundane. ۶۵) Ethereal World.

۶۶) Spiritual dialogue. ۶۷) Meditation. ۶۸) Vedanta. ۶۹) Theologia negative. ۷۰) Dialogue Period.